

گزارش دو نشست تخصصی گروه علوم اجتماعی در کنگره علوم انسانی

دکتر مسعود گلچین *

فرشته سیدی **

مهری سادات موسوی ***

نوشتار حاضر، گزارشی است اجمالی از چهارمین و پنجمین نشست گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون در کنگره ملی علوم انسانی که در روز ۲۳ اسفند ۱۳۸۵ برگزار شد.

نشست چهارم: مسائل و مشکلات آموزشی علوم اجتماعی

این نشست در دو بخش برگزار شد. در بخش اول، دکتر نعمت‌الله عزیزی، مقاله خود را با عنوان «وضعیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها» ارائه داد و بخش دوم، به بحث و

*. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

گفت و گو در زمینه پاسخگویی به سه سوال زیر که دکتر گلچین مطرح کرد- اختصاص یافت:

- چه مسائل و مشکلات آموزشی در علوم انسانی وجود دارد؟

- چه عواملی باعث به وجود آمدن این مسائل شده‌اند؟

- برای اصلاح و بهبود این مسائل چه راهکارهایی وجود دارد؟

در این گفت و گو، هر یک از حاضران نظرهای خود را به شرح زیر بیان کردند:

دکتر ارشاد اظهار داشت علم، پرسش برانگیز است؛ بنابراین شاید با علوم اجتماعی بتوان تعریف، جایگاه و اصول نقد را تعیین کرد و به سایر علوم هم آموزش داد. در رشته علوم اجتماعی، مسئولیت مضاعفی در برابر نقد و تفکر انتقادی وجود دارد. اگر تفکر انتقادی را تبلیغ کنیم، نقد جای خود را باز خواهد کرد.

دکتر گلچین در تکمیل و جمع‌بندی صحبت‌های دکتر ارشاد، بیان کردند که بهتر است مسائل آموزشی را به دو دسته کلی تقسیم کرد: الف- مسائل عام آموزشی، ب- مسائل خاص آموزش علوم اجتماعی.

دکتر زاهد در زمینه مسائل آموزش علوم اجتماعی، چهار مشکل را که به اعتقاد ایشان، به یکدیگر وابسته‌اند، بیان کردند: ۱. وابسته بودن به منابع خارجی، ۲. کهنه بودن جزوه‌های درسی، ۳. عدم جرأت در نوآوری، و ۴. پراکنده کاری.

دکتر سفیری این نکته را به سخنان دکتر ارشاد اضافه کردند که شیوه تدریس استاد باید به گونه‌ای باشد که دانشجویان را به تفکر وادارد. دانشجویان باید راه‌های وفق دادن خود را با آنچه که در جامعه اتفاق می‌افتد، بیاموزند.

دکتر جهانگیری در ادامه گفت: به اعتقاد من، ساختار اجتماعی، دلیل نبود نوآوری و شجاعت در نقد است. تا زمانی که علم از سیاست و قدرت جدا نشود، این مشکلات را خواهیم داشت. علوم انسانی خودبه‌خود با قدرت پیوند خورده است. از دیگر مشکلاتی که می‌توان در رشته علوم انسانی نام برد، شیوه گزینش استادان، ضعف تخصصی استادان

و نحوه برخورد استاد با دانشجو است.

آقای شهیدی (پژوهشگر مستقل) به مسائلی اشاره کردند که عبارت‌اند از:

۱. در تحقیقات اجتماعی، گروه‌های هدف را نمی‌شناسیم و در نتیجه نمی‌توانیم راهکاری برای جامعه ارائه دهیم.

۲. منابعی که در علوم اجتماعی وجود دارد، خاص متخصصان است نه برای سطوح پایین‌تر.

۳. در رشته علوم انسانی تکنسین وجود ندارد.

۴. برای نظم‌دادن به بازار کار علوم اجتماعی به نظام مهندسی اجتماعی نیاز است.

آقای مقدسیان (روزنامه‌نگار)، داشتن تفکر انتقادی را مستلزم داشتن اطلاعات وسیع دانست و گفت: دانشجوی ما شوق خواندن ندارد و سیستم هم این انگیزه را در او ایجاد نمی‌کند. این مشکلات، مربوط به سیستم آموزش عمومی است. مسئله دیگر این است که نظام دانشگاهی ما هنوز دبیرستانی باقی مانده است.

دکتر قریشی، مسائل این رشته را به ترتیب زیر برشمردند:

۱. فقدان علاقه دانشجویان به علوم اجتماعی، ۲. افت شدید تحصیلی، ۳. ضعف

مهارت‌های پایه، ۴. فقدان روحیه پژوهش و تحقیق در بین استادان.

دکتر گلچین با ارائه جمع‌بندی از بحث، مقدمه‌ای را برای گفت‌وگو در خصوص پاسخ به سؤال دوم مطرح‌شده در ابتدای نشست فراهم آوردند.

آقای پارسا اظهار داشتند رویکردهای نادرست استادان، دانشجویان را به سمت رویکردهای نادرست تشویق می‌کند و علت این رویکردهای نادرست، ناآشنایی استادان با شیوه‌های جدید تدریس و ارزیابی است.

دکتر قریشی در مورد علت مسائل مربوط به رشته علوم انسانی، چند محور را مطرح کرد: ۱. در جامعه، استغنا کاذبی در مورد علوم اجتماعی وجود دارد. بنابراین،

دانشجوی این رشته هیچ انگیزه‌ای برای درس ندارد، ۲. استغنائی کاذبی که دولت در خصوص علوم اجتماعی در معنای اعم آن حس می‌کند، ۳. استغنائی کاذبی که استادان در خصوص بحث نظریه‌پردازی دارند؛ زیرا معتقدند آنچه را که لازم بوده است، غریبان بیان کرده‌اند و بهترین راه ترجمه کردن و استفاده از دستاوردهای آنها است.

در ادامه یکی از حاضران، درباره موضوع مورد بحث، به چهار نکته اشاره کرد:

۱. نبود تقسیم کار آموزشی، ۲. ضعف شایسته‌سالاری در انتخاب همکاران علمی، ۳. چیرگی منافع غیرعلمی به‌ویژه شرایط اقتصادی بر کار کیفی، ۴. دخالت روابط غیرآکادمیک در نظام دانشگاهی که دو سطح دارد: الف- روابط شخصی مانند قدرت چانه‌زنی و پارتی‌بازی برای پذیرش، ب- ساخت غلط اداری - سیاسی.

دکتر گلچین، در ایجاد انگیزه برای استادان و دانشجویان عواملی نظیر، بها دادن دستگاه‌های سیاسی و اجرایی به دانش و متخصصان حوزه علوم اجتماعی و مراجعه مدیران و مسئولان به کارشناسان را مؤثر دانستند.

دکتر زاهد نیز اشاره کردند که رشته‌های علوم انسانی در جامعه جا نیفتاده است و جامعه به این رشته‌ها احساس نیاز نمی‌کند. از طرف دیگر، علم هم حدود و ثغور خود را برای جامعه، به‌عنوان کالایی که می‌تواند نیاز افراد را برطرف کند، معرفی نکرده است لذا علوم اجتماعی هنوز در جامعه نهادینه نشده و نتوانسته است با اجزای جامعه ارتباط برقرار کند.

آقای زردموی (دانشجوی کارشناسی ارشد)، در خصوص مشکلات، به‌ویژه نبود انگیزه و خلاقیت دانشجویان و استادان، بر اساس نظریه مازلو، گفت تا زمانی که استادان و دانشجویان نتوانند نیازهای سطح اول و اساسی خود را تأمین کنند و جامعه نیز امکان پاسخگویی به این نیازها را فراهم نسازد، نمی‌توان انتظار داشت آنها به نیازهای سطح بالاتر توجه داشته باشند.

آقای شهیدی، به طرحی اشاره کردند که در آن پنج مرحله مشخص شده است و به- اعتقاد ایشان اگر تدریس با توجه به مراحل مذکور انجام شود، برای دانشجویان ایجاد انگیزه خواهد کرد و آنها به مسائل و مباحث علوم اجتماعی علاقه‌مند خواهند شد. این پنج مرحله عبارت‌اند از: ۱. هشدار، ۲. اضطرار، ۳. آستانه، ۴. مطلوب، ۵. ایده‌آل. آقای مقدسیان وضعیت آموزشی دانشگاهی ما را به‌طور خاص ناشی از توسعه‌نیافتگی علمی و توسعه‌نیافتگی عمومی جامعه دانستند.

نشست پنجم: مسائل و مشکلات پژوهشی علوم اجتماعی

در آخرین نشست تخصصی گروه علوم اجتماعی، دکتر گلچین درباره روندهای بحث چنین توضیح دادند: در این جلسه نیز بهتر است ابتدا درباره مسائل و مشکلات پژوهشی علوم اجتماعی صحبت نموده و سپس راهکارهایی مطرح شود که بتواند وضعیت آموزش و پژوهش علوم اجتماعی را بهبود بخشد.

دکتر سفیری درخصوص تفکر نقادانه و مشکلات موجود در دروس روش‌های تحقیق مباحثی ارائه و تأکید کرد که باید دانشجویان را به مسائل پیرامون خود کنجکاو و سپس به آموزش فنون روش تحقیق مبادرت کرد، زیرا در بسیاری از مواقع دانشجویان نمی‌دانند راجع به چه موضوعی تحقیق کنند.

دکتر قبادی، یکی از مشکلات جدید پژوهش در ایران را عدم آموزش روش تحقیق کیفی به دانشجویان دانست و اشاره کرد که در دانشگاه‌ها صرفاً روش تحقیق کمی را آموزش می‌دهند. در این نوع مطالعات می‌توان مسئله‌یابی را به دانشجویان یاد داد. ایشان سیاست پژوهشی موجود را دارای نقایصی دانست که مانعی بر سر راه پژوهش‌های کشور است و عدم خودباوری را از جمله مشکلات دانشگاه‌ها دانست که به دلیل آنکه دانشجویان به‌طور عملی وارد میدان تحقیق نمی‌شوند، عموماً با مسائل روش‌شناختی بیگانه‌اند.

دکتر ایمانی، عدم صرف وقت در انجام تحقیقات و پایان نامه‌ها را از جمله مشکلات تحقیقات دانست. به اعتقاد ایشان، مشاهده همراه با مشارکت، نقش کمرنگی در تحقیقات دانشگاهی دارد و در فرایند آموزش روش تحقیق و تحصیلات تکمیلی که از مسئله‌یابی تا حصول نتیجه برعهده دانشجو است، کاستی‌های آموزشی را باید رفع کرد تا تحقیق مفید فایده واقع شود.

دکتر عزیزی وجود دیدگاه ژورنالیستی در خصوص مسائل جامعه فارغ از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه را یکی از رویکردهای رایج در جامعه برشمرد که پایه‌ای نامناسب برای مسئله‌یابی ایجاد می‌کند. وی همچنین بودجه‌های پژوهشی نامناسب و کم‌تر اهمیت قائل شدن برای پایان‌نامه‌های دانشجویی را از جمله سایر مشکلات حوزه پژوهش دانشگاهی دانست.

آقای مقدسی اظهار داشت که ما در کشور، ابتکاری برای گنجاندن ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان در استفاده از روش‌های تحقیق نداشته‌ایم. سهم تحقیق از بودجه تولید ناخالص ملی نیز اندک است که خود مسبب مشکلاتی در این حوزه شده است.

دکتر ارشاد بیان داشت که مشکلات را می‌توان مشکلات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دانست. تحقیق در جامعه جای خود را نگشوده است و مردم هنوز از ثمره تحقیق بهره نبرده‌اند که به اهمیت آن پی ببرند. قوانین موجود در عمل، حامی پژوهش نیست و تعرفه مالیاتی نیز ضد پژوهش است. تخصیص بودجه، روند نامناسبی را طی می‌کند که به تحقیق در کشور لطمه وارد می‌کند. از سوی دیگر، اگر استادان پژوهش را صرفاً به عنوان منبع درآمد مدنظر قرار دهند، به تدریج از اهمیت پژوهش کاسته خواهد شد.

دکتر فریار نیز در خصوص مسئله‌یابی مباحثی مطرح کرد و بیان داشت تا وقتی که ارتباط دانشگاه با جامعه ایزوله باشد و مسائل واقعی پنهان بمانند و دانشگاه در متن جامعه نباشد، مشکلات و مسائل همچنان باقی خواهد ماند.

دکتر صادقی بی توجهی به مباحث تئوریک، بی توجهی به روش شناسی و چرایی انتخاب یک روش، نداشتن یک برنامه و نقشه کلان پژوهشی توسط استادان و صورت تجملی یافتن انجام پژوهش در دستگاه‌های اجرایی را از جمله مشکلات تحقیقات کشور دانست.

در انتها، مسائل و مشکلات آموزشی و پژوهشی علوم اجتماعی مطرح شده در این نشست را می‌توان به ترتیب زیر بیان کرد:

ضعف پیشینه تحصیلی کنشگران، نبود انگیزه‌های کافی در استادان و دانشجویان برای بحث و گفت‌وگوهای علمی، پنداشت ناصحیح کنشگران از رشته‌های علوم اجتماعی دانشگاهی، بی‌ارتباط بودن محتوای دوره‌های تحصیلی، ضعف انگیزه و علاقه به کسب دانش و گرایش زیاد به مدرک گرایی، ابهام در اهداف و سیاست‌های موجود در ساختار برنامه علوم اجتماعی، پراکنده‌گویی و پراکنده‌کاری، عدم رواج تفکر انتقادی در بین کنشگران، عدم جرأت در نوآوری، وابسته‌بودن به منابع خارجی، نامناسب بودن ارتباط علمی بین رشته‌ها و گرایش‌ها، عدم تطابق محتوای دروس با نیازهای امروزی ایران و مقتضیات جهان، کثرت دانشجویان و فشردگی کار استادان، نبود علاقه به پژوهش در میان استادان (پژوهش محور نبودن برنامه‌ها)، عدم گردش سریع اطلاعات، اتکا بر شیوه تدریس محفوظاتی و تستی (نه تحلیلی)، ناآشنایی استادان با شیوه‌های مناسب تدریس، فقدان و نارسایی ارتباط اجتماعی، ضعف تعامل بین کنشگران علوم اجتماعی (تعامل بین استادان، بین دانشجویان و بین دانشجویان و استادان)؛ ضعف هویت صنفی و اخلاق حرفه‌ای، ضعف استقلال آکادمیک، محدودیت فضاها، آموزشی و پژوهشی، پایین بودن هزینه‌های سرانه دانشجویان این رشته‌ها در مقایسه با سایر رشته‌ها، عدم استفاده از شاخص‌های علمی در گزینش استادان، احساس استغنا، کاذب دولت نسبت به علوم اجتماعی، احساس استغنا

کاذب در خصوص نظریه پردازی، عدم مراجعه مدیران و کارشناسان به استادان، سطح بندی نامناسب دانش آموزان، عدم معرفی علوم اجتماعی به عنوان علمی که توانایی رفع مسائل اجتماعی را دارد، درآمدزا نبودن این رشته در مقایسه با رشته های فنی و...، وجود خلأی تحلیل موقعیت، عدم تسلط بر حداقل یک زبان خارجی در میان کنشگران و اصحاب علوم اجتماعی.

شایان ذکر است که در این کنگره، گروه علوم اجتماعی سه نشست دیگر با عناوین «بومی سازی علوم اجتماعی»، «نقد و ارزیابی بومی سازی علوم اجتماعی» و «مسائل و مشکلات آموزشی و پژوهشی علوم اجتماعی» را برگزار کرد که در مدیریت این نشست ها، همکاران محترمی مشارکت داشتند، از جمله:

دکتر تقی آزادارمکی^۱، دکتر فرهنگ ارشاد^۲، دکتر کاظم اکرمی^۳، دکتر حسین پناهی^۴، دکتر سعید زاهدزاهدانی^۵، دکتر خدیجه سفیری^۶ و دکتر علی اکبر فریار^۷.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم
۴. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۵. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز
۶. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا
۷. عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز